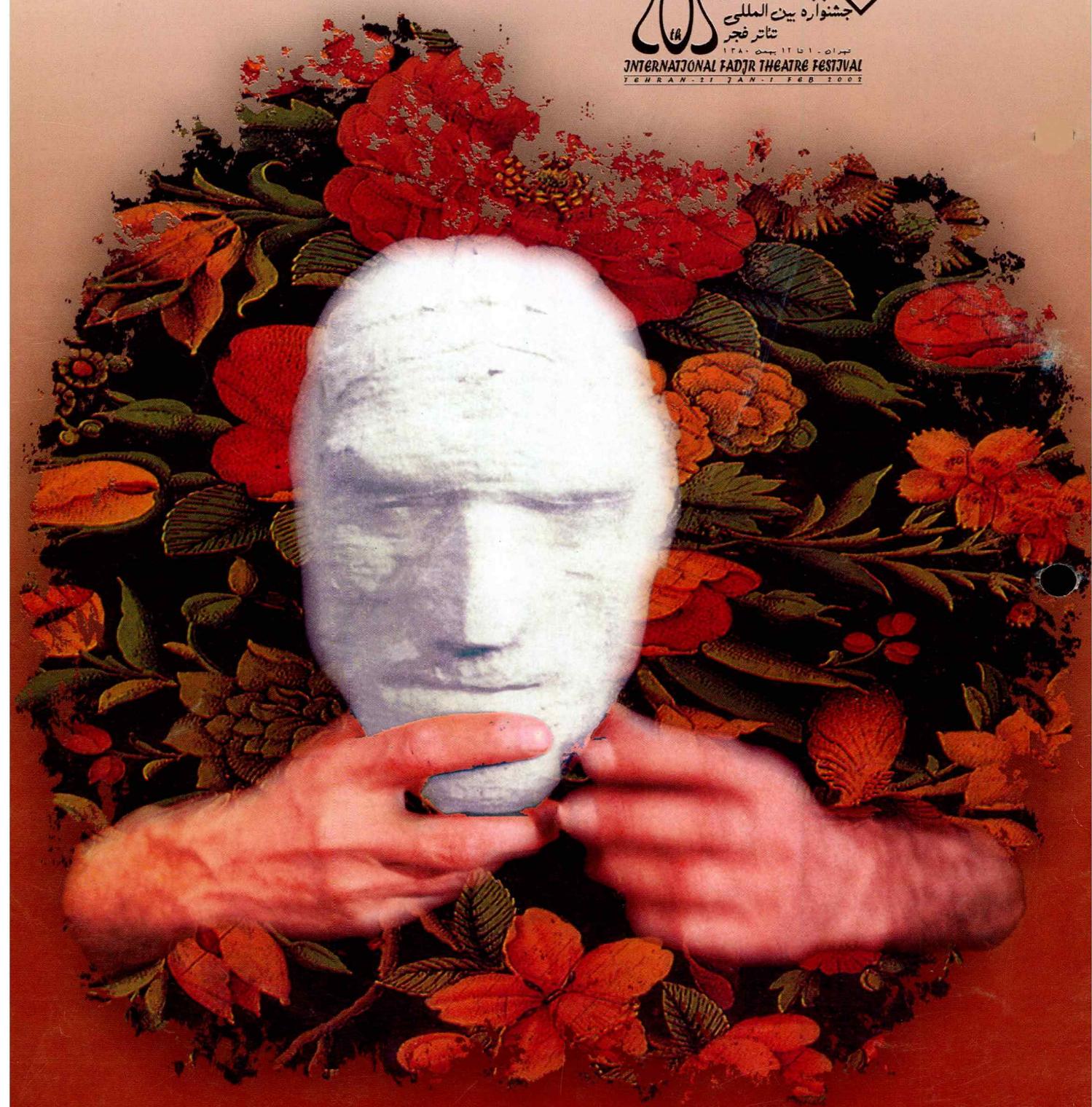
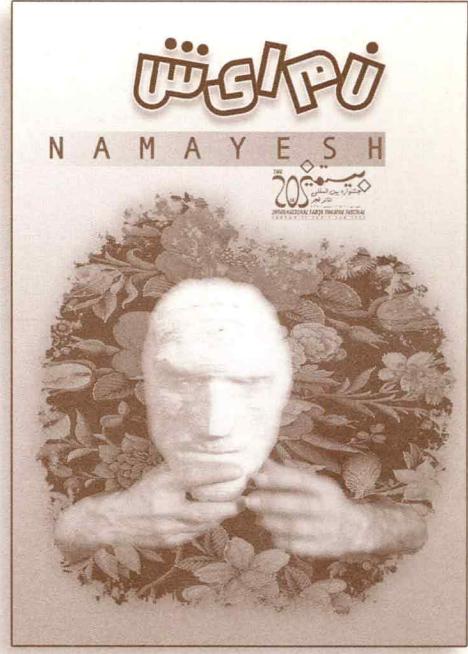


۱۱ شمسی‌پور

NAMAYESH ۱۱

سینمای
۲۰۰۲
جشنواره بین‌المللی
تئاتر فجر
۱۴۱ - ۱۶۱ - ۱۷۱
TEHRAN - ۲۱ JAN - ۱ FEB 2002





نمایش

نمایش

NAMAYESH

ویژه بیستمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر
تهران - ۱۲ بهمن ۱۳۸۰

لله تقیان	سردییر
انوشیروان میرزائی کوچکسرایی	طراح و مدیر فنی
اخته اعتمادی - آوا سرجویی - فرح یگانه	مترجمین
مریم محمدی - مهرانه آتشی - حجت ترصی - فرهاد سرافراز	عکس
پرویز میرزا حسینی	مسئول امور رایانه
محمدعلی میرزائی	کامپیوتکرافیک
فرزانه سرمدی - مهری غلامی - پانتهآ میرزا حسینی	حروف نکار
جهاد دانشگاهی (واحد هنر)	لیتوگرافی رنگی
چاپ نخستین	چاپ جلد
انتشارات نمایش	چاپ متن
علی اصغر دشتی - ایمان ذوقی - جواد تولمی - پریسا مهgor	همکاران
هانی کیوان ثانی - شراره محمد خباز - فریما روحی نژاد	
مینا ساغرویان	

مقالات منتشره الزاماً نظرات مرکز هنرهای نمایشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیست. نقل مطالب و عکسها با ذکر مأخذ آزاد است. نمایش در چاپ و پریش مقالات و مطالب وارده مختار است. مقالات رسیده به هیچ وجه مسربد نخواهد شد.

شانی: تهران، خیابان حافظ، خیابان استاد شهریار (ارفع)، تالار وحدت، کد پستی ۱۱۳۳۴، انتشارات نمایش
تلن: ۵۰۱۰۱۰-۶۷۰۸۸۶۱ و ۶۷۰۳۴۸۵ پست تصویری:

<http://www.irannamayesh.com> ◇ dac@neda.net

ناشر
انتشارات نمایش

Dramatic Arts Center
مرکز هنرهای نمایش



تئاتر خیابانی

تئاتر خیابانی، تئاتری متعهد و روشنگر است که معمولاً به مسائل اجتماعی روز می‌پردازد. تئاتری است در شرح و بیان مسائل نمایشی از زندگی صنعتی قرن بیستم و اوضاع و احوال پیچیده اجتماعی آن. مهم‌ترین وظیفه این نوع نمایش، ایجاد پل ارتباطی بین بازیگر و تماشاگر و در عین حال ایجاد شکل‌های جدید برای ارتباط بین جامعه واقعیت‌های اجتماعی است. این نوع نمایش را از دو جنبه متفاوت می‌توان بررسی کرد: از یک‌سوه خصلت‌های موجود در طبیعت انسانی می‌پردازد و با تصویر این ویژگی‌ها، در بالابردن کیفیت‌های انسانی در وجود آدمی تأثیر به سزاگی می‌گذارد و از این طریق می‌توان طیف گسترده‌ای از تماشاگران را که به طور معمول به سالن‌های نمایش نمی‌روند، به شناختی نسبی از ارزش‌ها و غنای موجود در طبیعت انسانی شان نزدیک کرد. از سوی دیگر با تأثیری که از طریق لمس ادراک عاطفی آنان بر ادراک منطقی‌شان می‌گذارد، در بالابردن سطح فکری و فرهنگی‌شان، عاملی مؤثر به شمار می‌آید.

تفاوت اصلی تئاتر خیابانی و تئاتر دراماتیک در این است که تئاتر دراماتیک بدون آن که سعی در ترویج و تبلیغ برای فکری خاص داشته باشد، سعی در تشدييد واقعیت ارائه شده دارد و تا نقطه اوج، آن واقعیت را بسط می‌دهد تا جایی که بتواند تماشاگر را به برداشت یا دریافتی عمیق از آن واقعیت برساند. اما تئاتر خیابانی با هدف تبلیغ و ترویج سعی می‌کند تماشاگر را در مسیر ایدنولوژی خاصی حرکت دهد و با تهییج و برانگیختن او را در نتیجه امکان رویارویی تحلیلی مخاطب را با پدیده مورد بحث فراهم کند.

* - برگرفته از کتاب تئاتر خیابانی - نوشته فریندخت زاهدی

پنجشنبه ۱۱ بهمن ۱۳۸۰

Thu 31 Jan 2002

در این شماره می‌خوانید

تئاتر خیابانی	۳
خبر جشنواره	۴
مردم و هنرمندان از پدر او بومی گویند	۶
تماشاگر با موضوع نوار ارتباط دارد	۸
گزارش	۹
معرفی هیئت داوران	۱۲
برنامه‌های امروز	۱۳
آمار	۱۴
معرفی گروه‌های خیابانی	۱۶
بخش انگلیسی	۱۸



خبر جشنواره

۳
نگارش

طراحی خوب صورت گیرد اجرای آن هم بسیار موفق تر خواهد بود. "رامین سلیمان پور" نیز که بازنویسی نمایشنامه "شاهدی برای فردا" را به عهده داشته است، نمایشنامه خود را سیاسی ندانست و توضیحاتی در ورد شخصیت‌های نمایش و چگونگی شخصیت پردازی آنها دارد.

جلسه نقد و بررسی

نمایش مصائب ایاز عیار

جلسه نقد و بررسی مصائب ایاز عیار با حضور بهزاد صدیقی، سعید تشکری و افشین خورشید باختری از اعضای کانون ملی منتقادان تئاتر ایران و داریوش مختاری و مهدی مکاری نویسنده و کارگردان نمایش برگزار گردید. در ابتدای جلسه صدیقی از نویسنده و کارگردان نمایش خواستند تا اگر حرفی برای مخاطبین خود داشتند را بیان نمایند.

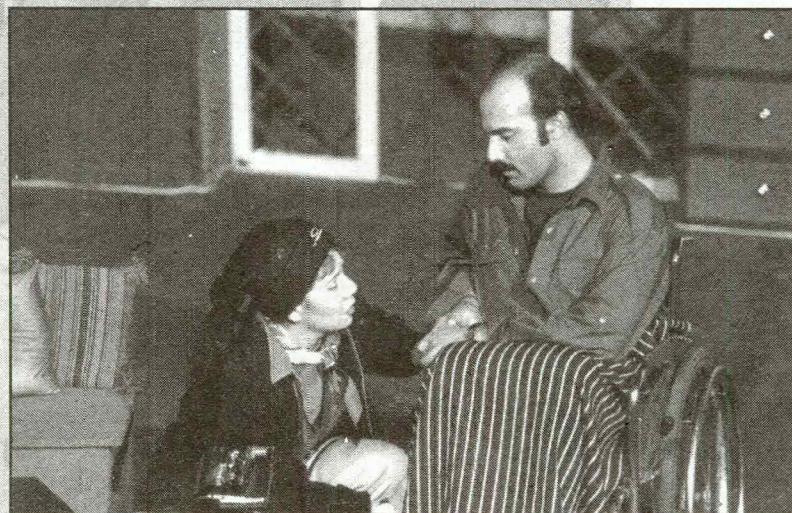
داریوش مختاری به عنوان نویسنده متن از اینکه حضار و اعضار کانون به خاطر آنکه وقت خود را در اختیار نمایش گذاشته و آنرا دیده‌اند تشکر نمود.

صدیقی بیان داشت که در این متن ویژگی‌های وجود داشت که آنرا از دیگر نمایش‌های حاضر در جشنواره مجزا می‌نمود که مهمترین ویژگی آن زبان پیچیده‌ای بود که متن برای بیان مقاصد خود انتخاب نموده بود. در ادامه صدیقی از تشکری خواست تا نقطه نظرات خود را بیان نماید. تشکری عقیده داشت که کلمات و دیالوگ‌ها در اجرای فوق هم غریب! بودند و هم قریب! ما با ادبیاتی سنگین آهنگ! رودررو هستیم. این کار در نوشته خود ویژگی‌های خود را بروز می‌دهد. اساس نمایشنامه جستجو در هویت آدمی بر اساس تهذیب نفس است و ما با نوعی جستجوی اشراقی، عرفانی روپرتو هستیم. خورشید باختری در ادامه صحبت تشکری گفت: متن و اجرا دارای پیچیدگی‌های خاص است. ما در متن به درونیات انسانی وارد می‌شویم که عرصه خطرناکی است، چون درون آدم ما به ازای بیرونی نداد! در این کار دولایه می‌بینیم که ارتباط بین کارکترهای نمایشی است و دو نوع جستجوی داریم، جستجو "ایاز" برای یافتن درون خود و جستجوی "بیاض" که در ابتدای راه است. مختاری از منتقادین به خاطر نقد

اشارة قرار داد و گفت: از نظر اجرایی نیز تماشاگر با این نمایش ارتباط خوبی برقرار می‌کرد و صحنه‌سازی خوب و استفاده درست از دکور از امتیاز دیگر این نمایش بود. وی همچنین گفت: پیشنهاد می‌کنم که در اجرای عمومی از گلستان‌های کوچکتری در جلوی صحنه استفاده شود تا جلوی دید تماشاگران گرفته نشود و بازی‌های بازیگران نیز به خوبی دیده شود.

ابروان دیگر منتقاد جلسه نیز گفت: به نظر من هم نمایشنامه دارای جذابیت‌های زیادی بود اما به نظر می‌رسید نمایش دیر شد. در واقع تا وقتی که هنوز پدریه خانه نیامده است هیچ اتفاقی نمی‌افتد و با ورود او نمایش آغاز

جلسه نقد و بررسی
نمایش شاهدی برای فردا
جلسه نقد و بررسی نمایش "شاهدی برای فردا" کار مشترک همراهالسادات میرحسینی و مرضیه طلایی در تالار شماره ۲ تئاتر شهر برگزار شد.
به گزارش روابط عمومی مرکز هنرهای نمایشی در این جلسه که از سوی کانون ملی منتقادان تئاتر جمهوری اسلامی ایران برگزار شد بینا ملکوتی، مهرداد ابروان و مسعود

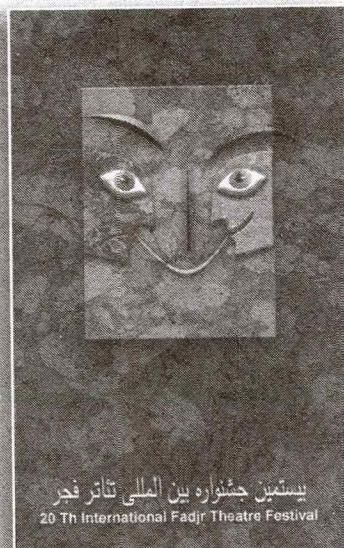


توكلی به بیان نظرات خود در مورد این نمایش پرداختند.

در ابتدای جلسه توكلی به طور کوتاه در مورد متن و اجرا صحبت کرد و پس از آن ملکوتی صحبت کرد. ملکوتی در مورد این نمایشنامه گفت: شاهدی برای فردا دارای کشش و جذابیت خوبی است و متن ساختاری دراماتیک دارد. شخصیت پردازی آدمها بسیار خوب صورت گرفته و به ویژه شخصیت کامران بازیگران این نمایش را ستود.

میرحسینی یکی از کارگردان‌های این نمایش نیز متن این نمایش را حاصل کار گروهی داشت و گفت: اگر متن توانسته باشد با تماشاگران به خوبی ارتباط برقرار کند به خاطر اشتراک دیدگاه و عقیده میان نویسنده‌گان آن بوده است. وی همچنین با اشاره به ویژگی شخصیت‌های نمایش شخصیت پردازی آنها را خوب توصیف کرد و گفت: اگر برای اجرای عمومی این نمایش

کاتالوگ بیستمین جشنواره بین‌المللی تئاتر
فجر
مرکز هنرهای نمایشی، ص ۲۸۸، ۳۰۰۰۰ رویال



شامل مطالب: مروری بر جشنواره‌های پیشین، جشنواره نوزدهم، جشنواره بیستم، بخش مسابقه، خارج از مسابقه، بین‌المللی، خیابانی، تعزیه علوی، مهمانان خارجی، بزرگداشت، یادمان، تالارها و برنامه‌ها.

در پایان منتقدین اجرای موسیقی و بازی‌ها را در حد قابل قبول دانستند.

* * *

نمایشنامه "رقص روی لیوان‌ها" با کارگردانی امیرکوهستانی در روز ۱۱ بهمن ماه در تالار مولوی ۲ اجرا خواهد داشت. این برنامه جایگزین نمایش "آکادمی خنده" از کشور روسیه است که نتوانست خود را به جشنواره برساند.

آدرس جدید پست الکترونیک

مرکز هنرهای نمایشی به دلیل ارتباط‌های گسترده خود آدرس جدیدی برای پست الکترونیک را اهانتازی کرده است. کسانیکه تمایل دارند از طریق این پست با این مرکز تماس حاصل کنند همچنین می‌توانند از آدرس زیر استفاده کنند.

itc@neda.net

میانه‌ای که داشتند تشكیر نمود و عقیده داشت که حق هم همین است، او معتقد بود که تئاتر از جمله هنر و علومی است که نسبت دارد و چون خود معتقد به نسبیت است درخواست داشت که از او نخواهدند که از متن خود دفاع نماید. مختاری گفت که این متن را در سال‌های ۷۳ و ۷۴ کار کرده و نسبت به آن چالش خاصی نداشته و به دلیل اینکه در آن سال‌ها در عرفان اسلامی و اشراف مطالعه می‌نموده به نحوی در این مسئله کنجدکاو گشته و این متن‌ها را بر اساس همان کنجدکاوی نگاشته است. او معتقد بود که در مطالعاتی که در آن زمان می‌کرده با سه مت شریعت، طریقت و حقیقت رو دررو شسته که بعدها با مطالعات بیشتر متوجه ساحت چهارمی به نام معرفت گشته است که در نمایشنامه این ساخت را به "تشنگی" یاد کرده است.

هر سه منتقد معتقد بودند که زبان سنگین و پیچیده نمایش باعث دوری ذهن مخاطب از دنبال نمودن داستان می‌شود و به نوعی به ریتم نمایش نیز ضربه می‌زنند که نویسنده معتقد بود این مسئله به مضمون گرا بودن نمایش بر می‌گردد نه به کارگردانی.

آمار تماشاگران نمایش‌های سالنی بیستمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر

مکان	زمان	تالار وحدت	تالار بزرگ	تالار چهارسو	تالار شهر	تالار سایه	تالار شهر	تالار قشمایی تئاتر شهر
چهارشنبه ۱۰	بهمن ماه	یک سالن ۱۲۰۰ نفر	یک سالن ۴۹۹ نفر	سیما تبراندز	دشمنان جامعه سالم	محاله فکر کنید...	رام کردن زن سرکش	سالن اول: ۱۹۹ نفر
تالار کوچک تئاتر شهر	۲۰۰۳ - خون عباس اقسامی	یک سالن ۵۲۰ نفر	شام شب طولانی	رقص روی لیوانها	امیرکوهستانی	بیل گردانی	بیل گردانی	سالن اول: ۱۶۲ نفر
سالن اول: ۱۱۱ نفر	سالن دوم: ۱۷۵ نفر	سالن اول: ۳۰۵ نفر	سامر عموان	سالن اول: ۲۳۰ نفر	سالن دوم: ۲۰۰ نفر	استان مرکزی اراک	استان مرکزی اراک	سالن اول: ۱۸۷ نفر
سالن دوم: ۱۷۷ نفر	سالن اول: ۱۱۷ نفر	یک سالن: ۵۳۱ نفر	تالار سنگلج	تالار مولوی	فضای باز	تئاتر شهر	جمع	سالن دوم: ۲۰۸ نفر

آمار تماشاگران نمایش‌های خیابانی بیستمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر

پوکزار شده در روز چهارشنبه ۱۰ بهمن در انتظار خسرو ۱۰۰۰ نفر، تخم مرغ، مرغ ما ۶۰۰ نفر (پارک دانشجوی خلخالی) - روح لطفی (پارک دانشجوی خلخالی) - سه راهی دیگر ۴۵۰ نفر، دار - (پارک شهر) - آخرين پر ۲۰۰ نفر، ام الداس ۲۵۰ نفر (پارک ملت) - کودک و جنگ ۱۰۰ نفر، این که ۱۰۰ نفر (پارک لاله پازار گل) - آنجا انظرف... ۲۰۰ نفر، مجسمه ۱۰۰ نفر (پارک لاله امین تئاتر) - حضور ۱۰۰ نفر (پارک خواجه) - در انتظار مرگ... ۱۰۰ نفر، نیمه حق ۵۰ نفر (پارک بهمن) - کسی می‌آید ۱۰۰ نفر، زندان ۷۰ نفر (پارک رازی) - شهربازی ۸۰ نفر، عشق پاران ۵۰ نفر (پارک راه‌آهن) - شین سین ۵۰ نفر، سیز پلاستیکی ۱۵۰ نفر (پارک شهریور) - طرز تهیه پشمک ۱۰۰ نفر، گلر ۱۵۰ نفر، (پارک خیام) - گرسنگی ۱۰۰ نفر، مهمانی سپاسگزاری ۵۰ نفر (پارک قطبیه) - جنگجوی مصلح ۱۰۰ نفر (پارک سعادی) - دار - نمایش فروش ۲۵۰ نفر، (دانشگاه علامه طباطبائی) - دانشگاه اقتصاد - در انتظار خسرو ۲۵۰ نفر، تخم مرغ، مرغ ما ۲۰۰ نفر (دانشگاه علامه طباطبائی) - دانشکده ادبیات) - گرسنگی ۲۵۰ نفر، در انتظار مرگ ۲۰۰ نفر (دانشگاه علامه طباطبائی) - آخرين پر ۲۵۰ نفر، ام الداس ۳۰۰ نفر (دانشگاه تهران) - سه راهی دیگر ۲۵۰ نفر، زندان ۲۰۰ نفر (دانشگاه ایوان) - شهر اجیلی ۲۰۰ نفر (کوی دانشگاه تهران) سه راهی دیگر ۵۰ نفر (شهرک شهید محلاتی) - کودک و جنگ ۱۰۰ نفر (پارک اوستا) - جمع تماشاگران ۹۳۰۰ نفر



مردم و هنرمندان از "پدر اوپو" می‌گویند

شاد سالن را ترک کردند. از بازیها خیلی لذت بردهیم و واقعاً نمایش بود یعنی تئاتر چیزی است که باید ضمن اینکه فکر تکاندیش باشد تفریحی نیز باشد و تفریح خیلی خوبی بود از نظر ارتباط نیز خودتان مشاهده کردند خیلی خوب بود خیلی تماس می‌گرفتند حتی زبان را نمی‌فهمیدند با اشاره و ایما خیلی تماس خوب برقرار کردند و خیلی مشارکت کردند در تئاتر و تماشاگر خیلی راضی بود. در هیچ نهایی اینقدر تشویق نکردند.

* حمید سمتدریان مدرس و استاد تئاتر ایران

بسیار خوب بود بسیار خوب بود به نظرم کار در حد ممتاز بود. البته این کمدی یکنون کمدی است که در زمرة تخصصهای خود ایتالیائی هاست و از همه دنیا در این نوع بازی تخصصشان بیشتر است. این منشاء گرفته از کمدی دلارته ایتالیاست که بر اساس بداهه شکل می‌گیرد و یک نوع ابو در آن بود که در واقع یک نوع مدرن شده از کمدی اصلی و اساسی بود. و می‌توان گفت ناب تئاتر در این نوع بازی است بازی ناب، تئاتر بی پیرایه و بدون خدشه این نوع اجراست. به نظر من خیلی هم موفق بودند اگرچه سولیستهای خیلی فاصله اجرایی داشتند از بازیگران نقش‌های دوم. ولی تک تک بازیگران معلوم بود که دارای تسلط‌های آنچنانی هستند که حال بتوانند یک پیس را موفق کنند.

* احمد کامیابی مسک (نویسنده و استاد دانشگاه)

بسیار کار خوبی بود یعنی یک کار فرانسوی است و می‌دانید که نمایش ابوها یا شاه ابو نقطه عطف تئاتر معاصر جهان است. زیرا آنفرد زاری وقتی این نمایشنامه را نوشت و اجرا کرد بعد از اجرای آن تمام قواعد تئاتر نه تنها کلاسیک بلکه رمانیک را درهم شکست و بعد کسانی چون یونسکو، آرایال، بکت و آداموف دنیاله روی او شدند و او بود که در حقیقت پایه گذار تئاتر نو بود که به غلط آنرا تئاتر پوچی می‌نامند و ایتالیائی‌ها که آنرا به شکل کمدی دلارته که جزء تخصصشان نیز هست در نهایت مهارت بازی کردند و دیدید که تماشاگر نیز چقدر تأثیر خوبی گرفت؛ و چون شب قبل نیز تأثیر زیادی از تماشاگران ایرانی گرفته بودند امشب نمایش را بسیار جذابتر و اجرا کردند. از نظر من کاربسیار زیبایی بود.

مهبجی بود که در پایان تماشاگر را به شوق آورد ولی لحظاتی کمک آن بیش از اینهast و طنزش گزنه‌تر است شاید البته این دلیل زیان بود ولی چون من متن را می‌شناسم خیلی به آن اضافه شده بود و بیش از حد اضافه کردن به متن آنرا خیلی طولانی کرده بود و از نفس انداخته بود.

* خانم لیسانسیه علوم سیاسی
بسیار خوب بود و من خیلی لذت بردم البته نظر کارشناسی نمی‌توانم بدhem و بالذات فراوانی که در آن بود و احساس می‌کنم کاری است که کاملاً می‌تواند با هر تماشاگری ارتباط برقرار کند.

* سعید ساحلی مدرس و بازیگر تئاتر
صد در صد. از جمله کارهایی است که با تماشاگران بسیار عالی ارتباط برقرار کرده و من شخصاً هرکاری که روحیه و سلیقه این ملت بتواند با آن جور و هماهنگ شود را می‌پذیرم.

* مهتاب نجوى بازیگر تئاتر
به نظرم یک کار فوق العاده زیبا بود و به عنوان تئاتر همه چیز داشت و تمام آن چیزی که باعث جلب توجه تماشاگران می‌شود و این احساس برایش بپذیرد شود که یک عده‌ای با تمام تلاششان لحظاتی بسیار زیبا و قشنگ ویرمعنایی را بوجود آورده و از شیوه‌های مختلفی نیز بهره برده بودند و محدود نشده بودند که البته طبیعی است چون کشوری که دارای بهترین سینماست بهترین پیشینه در اپرا است بپیشنه در خود تئاتر است طبیعی است که موقع زیادی نیست که به توان تصور کرد که بهترین کار جشنواره را باید با آنها دید و خوشحالم از اینکه این کار را دیدم.

* آتیلا پسیانی نویسنده، بازیگر و کارگردان تئاتر
من مصاحبه نمی‌کنم ببخشید؟!

* پرویز پورحسینی بازیگر سینما و تئاتر در این شلوغی مصاحبه نمی‌کنم اصلأ تمرکز ندارم.
من مصاحبه نمی‌کنم ببخشید؟!

* هما روستا، بازیگر تئاتر
کاربسیار پر خلاقیت بود معلوم است که از یک کشور شاد می‌آیند. بچه‌ها با استعداد و پر از تخیل، کاری شاد و با تکنیک خوب و بازیگری خوب و می‌توانم بگویم فوق العاده بودند. بیینید همین الان تماشاگران چقدر

* پژشک ۳۲ ساله

به نظرم کار بسیار جالبی بود اما مشکل بود ابتدا بروشور به دست‌مان نرسید ولی به دلیل اینکه زیانش ایتالیائی بود شاید چند درصد را متوجه نشدم ولی در کل کار بسیار زیبایی بود.

* خانم لیسانس زیان و مترجمی زیان

به نظرم کار بسیار زیبائی بود.

* رضا بایک بازیگر تئاتر سینما و تلویزیون
من فکر می‌کنم حضور این گروه‌ها هم

می‌تواند بر روی تماشاگران ایرانی مثبت باشد هم بر روی گروه‌های ایرانی. گروه بسیار قوی بودند چون ما که زیان ایتالیائی را نمی‌فهمیدیم ولی هم از لحاظ فرم بازیها، بدن، ریتم و میزانستهای بسیار زیبا و خوب می‌توانند تأثیرات مثبتی بگذارند بهره‌حال تئاتر در نهایت یک زبان بین‌المللی است و می‌تواند در همه جا ارتباط برقرار کند حال به هر زیانی که باشد چون عنصر زنده روی صحنه وجود دارد، بهره‌حال این ارتباط می‌تواند تنگاتنگ وجود داشته باشد من این

فرصت را مفتتم می‌شمارم و امیدوارم از این اتفاقات خوب و میمون و خجسته در کشور ما بیشتر اتفاق یافتد.

* دکتر علی رفیعی نویسنده و کارگردان تئاتر

به نظرم یک گروه آماتور بود با اجرایی انرژیک چون این قبیل کارها براساس محور کلام اتفاق می‌افتد و عنصر اصلی در آن کلام است.

* دکتر قطب الدین صادقی
برداشتی از ابوشاه آفرود زاری است که خود این متن برداشتی است پارودی گونه و یک طنز خیلی گزنه است از خود مکبث.

آفرود زاری زمانی که محصل دیربستان بود یک جوان نابغه‌ای بود و خیلی هم زود مرد و خیلی کار طنزآمیز است یعنی در واقع یک

مشت دلچک هستند که کودتا می‌کنند و به قدرت می‌رسند. به نظر من یک جایگاهی در متن داده بود که در یک سوژه تاریخی اتفاق

می‌افتد و به نظرم کار خوبی بود ولیکن بیش از حد به ریتم پرداخته بود. لحظات دراماتیک آنرا خیلی کم دیدم و به حد و اندازه‌های تئاتر یک کشور شاد می‌آیند. بچه‌ها با استعداد و پر از تخیل، کاری شاد و با تکنیک خوب و بازیگری خوب و می‌توانم بگویم فوق العاده اینکه لحظاتی را به زبان انگلیسی، فارسی، ایتالیائی، توائسته بود لحظات کمیکی را ایجاد کند و از همه مهمتر موسیقی پر تحرک و

دو دل که یکی شود

هوشنگ جاوید

کمک و یاری رساندن به خانواده‌های بی‌بضاعت بود و مورد تشویق و استقبال فوق العاده قرار گرفت. آن زمان این گروه با ظاهرشاه و خانواده او هم دیدار کردند و از پیشرفت‌های آن کشور آگاه شدند. پس از آن این ارتباطات افزوده گشت و کارهتری به ویژه در موسیقی به نزدیکی‌های فراوانی رسید و تأثیرات بسیاری وا در این هنر از دو طرف به سبب اشتراکات بسیار فرهنگی و ریشه‌ای شاهد بودیم، آهنگسازانی چون "فریدزلاند" به ایران آمدند و کسانی چون "فرهادپور" کارهای او را به نت در آوردند، پس از وقوع انقلاب اسلامی در ایران و شکل‌گیری درگیری‌های افغانستان که موجب تلاطم بیست و پنج ساله در هنر و افکار هنری این کشور مظلوم شد، زایش مکتبی به نام "هنر در تبعید ناخواسته" حاصل آمد، چراکه بسیاری از هنرمندان افغانی آواره سرزمین‌های مختلف شدند که ایران نیز پذیرای برخی از آنان شد. آنان اندیشه‌های خود را دیدگاهی نوین به کار برداشتند تا هنری مانا و پایدار ایجاد نمایند و با گفتگوی خود در صحنه به ارتباط فرهنگی تمدن‌های نزدیک بیافزایند و امیدواریم که این عزیزان بیش از هر چیز در صدد بهره‌گیری از هنرهای آثینی خود در شکلی نوین برای به صحنه درآوردن آنها باشند هنرها بی‌چون "رقص ختنک"، آثین ازدواج در کندوز و پیکتیا، یا "آئین‌های سور در لوگر و بدخشان" که هنوز آوازهای سعدالله کندوزی، عبدالسلام لوگری و فیض محمد و نیاز محمد بدخشانی و محمدرحیم تخاری از ولایت تخار، جای شنیدن دارد و گفتن، باشد که این حرکت تداوم یابد و عاشقانه پیگیری شود چراکه:

ذریا که کلان شود، شنايش که کند؟
دو دل که یکی شود، جدايش که کند؟
دو دل که یکی شود، جدايش مشکل
لغنت به کسی، قصدِ جدايش بکند!!

زیرکانه و فرهنگدوسانه دنبال نمایند اما جامعه افغانستان راه خود را رفت و اشتراکات فرهنگی ایران و افغانستان باعث گردید تا ادبی گفتاری و نوشتاری به زبان پارسی و پارسی دری زنده تر بماند.

کابل را می‌شد پایتحت انجمن‌ها نامید، و نمی‌دانم آیا هنوز هم چنین است یا نه، تمامی انجمن‌های ادبی، تاریخی، فرهنگی، جغرافیایی، هنری و صنعتی در این شهر قرار دارند.

از جمله کسانی که هنر و فرهنگ افغانستان را طی نیم قرن گذشته رواج و رونق دادند و بر استواری اشتراکات فرهنگ‌ها افزودند می‌توان از سرورخان گویا، ملک‌الشعرای بیتاب، دکتر احمد جاوید، استاد خلیل... خلیلی، فکری ساجقوی (ایشان هم می‌دانست، هم شعر می‌سرود هم کتابشناس و خطشناس بود و هم تاریخ‌نگاری می‌کرد)، علی کهزاد، عزیزالدین وکیلی فوغلزائی، جلیل عبدالحی حبیبی، دکتر ضیایی و میرحسین شاه نام برد.

رفت و آمد هیئت‌های هنری و فرهنگی و سفرهای پی‌درپی و مکرر استادانی چون سعید نفیسی، بدیع‌الزمان فروزانفر، ملک‌الشعرای بهار باعث گردید تا پیوتدهای ادبی خوبی پدید آید از سوی دیگر سفرهای موسیقی شناسان و موسیقی وزان که از سال ۱۳۴۳ با اعزام گروه موسیقی رادیو به سربرستی مرحوم خالدی و هنرمندانی چون مجید نجاحی و قوامی که اورای یاری می‌دادند آغاز شد حرکت نوینی را در مسئله هنر موسیقی دوکشور پدید آورد، کار مجید نجاحی بر روی ستور به گونه‌ای بود که برای اولین بار مردم افغانستان این ساز را شناختند و مسحور نغمات آن شدند، قوامی (فاخته‌ای) در این سفر شعرهای خلیل... خلیلی را اجرانمود؛ این گروه یک برنامه خیریه نیز برای جمعیت هلال احمر افغانستان اجرا نمودند که در جهت

با چار برا دریم، از پایه پیر

ما چار کمان گشیم و یک دسته تیر

در آب شناوریم و در کوه نجیب

در جنگ بهادریم و در موگ اسیر^(۱)

افغانستان، پهنه جذبه‌های خاص پارسی، زادگاه و ماندگاه زبان دری، سرزمینی که نام هر گوشه از خاکش را در افسانه‌های ایرانی می‌شنویم، هرات، فاراب، بلخ، کاغزگانی، نه، قندھار، بامیان، تنگه خیبر، با بزرگانی چوستان فارابی، خواجه عبدالصمد انصاری، شمس الدین طبسی، سعدالدین کاشغری، امام فخر رازی، عبدالرحمن جامی، علی کافشی، جلال الدین بلخی، سرزمینی که از آن هنوز نعمات امیر علیشیر نوابی در زمان اقتدار دولت بایقرا به گوش می‌رسد و نواشی مهمترین آمهاست.

ما عهد سلطان محمود و رنج فردوسی را در این خاک در دور فاصله نهاده‌ایم و به سرنوشت خویش می‌نگریم، یکی کویری که تا قندھار می‌رود و دیگری رود هیرمند (هلمند).

در قندھار "سرای عراق" یادآور داد و ستد ممتد با عراق عجم و عراق عرب است، در ات و در پس کوچه‌های "گازرگاه" که قدم بزنی می‌فهمی که "پیر گازرگاه" همان خواجه‌ای است که نوای نیایش‌ها بیش از کودکی ورد زبانت می‌شود، خواجه عبدالله را می‌بینی که هنوز زمزمه می‌کند؛ الهی، یکتا، بی‌همتای و...

"مسجد غوریان" میراث بزرگ دولت در یک ملک است و چه عظمتی دارد ایمان آنچه که بدانی این مسجد برای امام فخر رازی ساخته شده.

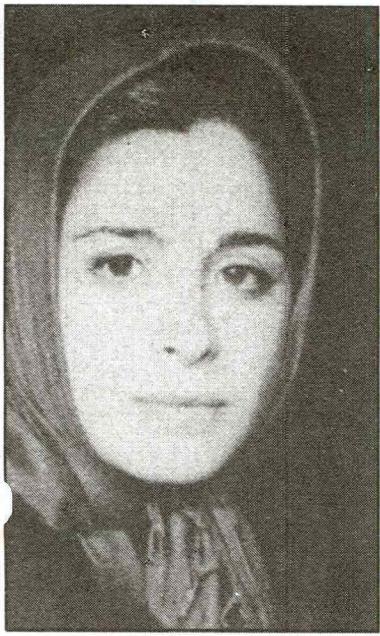
گرچه شصت سالی می‌شود که زبان رسمی افغانستان را پشتونو اعلام کردند و در ترویج این زبان تلاش‌های بسیاری به ویژه از سوی موسسه بین‌المللی فرانکلین صورت گرفت تا با ترجمه از زبان امریکایی به پشتون فرهنگ این سرزمین را تغییر دهند و سیاست‌های استعماری خود را به نحوی



تماشاگر با موضوع نو ارتباط دارد

گفتگو با سیما تیرانداز کارگردان

نمایش "حاله فکر کنیں اینجوری ام ممکنه بشه"



شده است که دست به تولید مشترک زدده شود، آیا در روند کلی تئاتر کشور مؤثر بوده است؟

- من در مرحله اول ترجیح می‌دهم در جشنواره نمایشهای خارجی را ببینم. شاید من هیچ وقت فرصت این را پیدا نمی‌کردم تا از نزدیک کاتاکالی را ببینم ولی در همین جشنواره‌ها این امکان را نداشتم تا ارزیابی کنم هیچ وقت این امکان را نداشتم تا ارزیابی کنم ببینم تئاتر ما چقدر از تئاتر دنیا جلوتر یا عقب تر است ولی این شرایط فراهم شده است. این تبادل فرهنگی برای یک کارگردان تئاتر لازم است. شنیده‌ام چند "workshop" هم گذاشته شده است که به نظر من اینها باید در طول سال باشد. الان زمانش بد است، در جشنواره همه در حال کار کردن هستیم. مرکز هنرهای نمایشی باید یکسری فیلم در اختیار بازیگران و کارگردانان قرار دهد. ما باید حتی فیلم آثار خارج از کشور را که نمی‌توانیم به طور زنده ببینم به دست مان برسد. به نظر من اینها قسمتی از تبدلات است که باید خیلی کستره‌تر از این حد باشد.

□ در طول این چند سال خیلی‌ها می‌گفتند جریانات دانشجویی و دانشکده‌ها هیچ تأثیری در تربیت هنرمند تئاتر نداشته است، اما الان می‌بینیم اکثر هنرمندان نسل جدید از همین فارغ‌التحصیلان تئاتر و

□ در ابتدا توضیح مختصری در مورد نمایشی که در جشنواره اجرا می‌کنید بفرمائید.

- این متن نوشته خانم یثربی براساس طرحی از خود من است. این نمایشنامه به بررسی رابطه یک زوج می‌پردازد.

□ شما در کارهای قبل خودتان هم از نمایشنامه‌های خانم یثربی استفاده کرده بودید، چه ویژگی خاصی در نوشته‌های ایشان است؟

- بحث، بحث خصوصیت و ویژگی نیست. چیز خاصی نیست که من با خانم یثربی کار می‌کنم، البته خیلی دوستشان دارم و برایش احترام قائلم، کار کردن با ایشان برای من لذت‌بخش است چون خیلی هم‌دیگر را می‌فهمم. میان ما در طول این سالیان که با هم کار کردیم تفاهم ایجاد شده است. این سه کاری هم که پشت سر هم من از روی نوشته‌های خانم یثربی کار کردم، کاملاً اتفاقی بوده است.

□ شما به عنوان کارگردان، جویان و حرفه کارگردانی را در ایران چگونه ارزیابی می‌کنید؟

- جواب دادن به سوال شما مربوط می‌شود به یک محقق، که بباید موج کارگردانی را در دهه‌های مختلف بررسی کند. من به عنوان کارگردان وظیفه‌ام این نیست که بخواهم نگاه کنم ببینم اطرافم چه اتفاقی می‌افتد. به نظر من هر کسی که وارد عرصه کارگردانی می‌شود یک دل مشغولی دارد و آن دل مشغولی برای خودش ارزشمند است. حالا برخی از مواقع یک هنرمند فقط به مقوله کارگردانی می‌پردازد و برخی از موقع هم یک بازیگری مثل من دوست دارد خودش را در آن حیطه هم محک بزند. ولی به طور کلی در مورد

کارگردانی بگوییم، من به این اتفاقی که در بین نسل جدید می‌افتد امیدوارم. من خیلی خوشحالم که در این نسل هستم. ما الان اتفاقات خیلی خوبی را شاهد هستیم که برابری می‌کند با "ازی آوانسیان"، "داریوش فرهنگ"، "گروه تئاتر پیاده" و... این دارد تکرار

بعد از آن دوران رکود و حشتناک تئاتر. امیدوارم این اتفاقی که یا حضور مسئولین امروز افتاده و یک جریان نو شروع شده ادامه پیدا کند.

□ در این جریان قazole تئاتر تولید بیشتر است، این مسئله تا چه حد در تربیت سلیقه تئاتری تماشاگر مؤثر بوده است؟

- تماشاگر ما چه در تئاتر و چه در سینما، همیشه ثابت کرده است که با موضوع جدید و نو ارتباط برقرار می‌کند. این ربطی به تربیت تماشاگر هم ندارد. البته این جزو یکی از ویژگیهای کارگردانی است که بداند هر متن را چه زمانی کار کند. در دوره‌ای اغلب کارگردانهای ما تمايل دارند به سمت طنز بروند تا مردم را شاداب و سرزنشه کنند، برخی از نمایشهای جدی هم با مردم ارتباط خوبی برقرار می‌کند. این تمایشها طنزی هم دارد که سلیقه تماشاگر بیسند و لی ارتباط برقرار می‌کند. تماشاگر با یک موضوع خوب همیشه ارتباط برقرار می‌کند. ضمن اینکه کارگردانهای ما هم باید مخاطب‌شناسی داشته باشند و بدانند چه حرفی را چه زمانی باید بزنند.

□ این ارتباطات جهانی تئاتر و بدء و بستان تئاتری که چند سال است کشورمان با دنیا تمثیل صورت می‌دهد و نهایتاً منجر به این

گزارش جلسه نقد و بررسی

اسکلت فلزی آن به نشانه عربان شدن موقعیت واقعیت آنها پرداخت. استفاده منطبق با متن کارگردان از طراحی حرکات و در نظر گرفتن مکان‌های ثابت برای نشستن و گفتگو بین کاراکترها، وجود نشانه‌های تاثرالیستی نظیر بارش باران که با روح اثر هماهنگی ندارد و پیشنهاد اینکه از پیرایه‌هایی نظیر باران صرفنظر شود از جمله دیگر مسائل مطرح شده بود که در این باره خانم رامین فر گفتند، حرکات منطبق بر ویژگی‌های آن شخصیت‌ها بود و ایده استفاده از باران برای تأثیرگذاری نور این صحنه بر فضای بود. در ادامه تماشگران حاضر در جلسه به

جلسه نقد و بررسی نمایش همان همیشگی همیشگی "نوشه و کار" ریما رامین فر" با حضور منتقدین کانون ملی حسین مهکام و افشن خورشید باختی در مورخ یکشنبه ۷ بهمن ماه در سالن سایه برگزار شد. در این جلسه ابتدا نویسنده و کارگردان نمایش درباره شکل‌گیری متن بر اساس اتفاقی که در یک خبر شنیده بود اشاره کرد. سپس حسین مهکام یکدستی و جذابیت‌های متن را از ویژگی‌های آن بر Sherman و در ادامه افشن خورشید باختی به توضیح مشخصه‌های متن در پرداختن به معضلات انسان امروز،

تحصیلکردها هستند. شما جریان دانشجویی تئاتر را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ - من خیلی دوست ندارم تئاتر دانشجویی یا حرفة‌ای را ز هم جدا کنم، تئاتر دانشجویی هم در خیطه خودش خیلی خوب است، چون امکانی را به دانشجو می‌دهد تا در عمل تجربه کند، به نظر من اتفاق تئاتر دانشجویی، اتفاق درستی است. ممکن است دانشگاه‌ها چیزی به ما ندهند. من خودم دانشجو بوده‌ام و الان هم فوق لیسانس می‌خوانم. در ۱۶ جلسه یک کلاس ممکن است استاد چیزی به من ندهد ولی همین لشها دریچه‌ای را به روی من باز می‌کند که من به عنوان یک دانشجو باید خودم تجربه کنم. ما در تئاتر دانشجویی تجربه‌هایی را می‌توانیم انجام دهیم که شاید هیچ وقت در تئاتر حرفة‌ای این امکان برایمان فراهم شود.

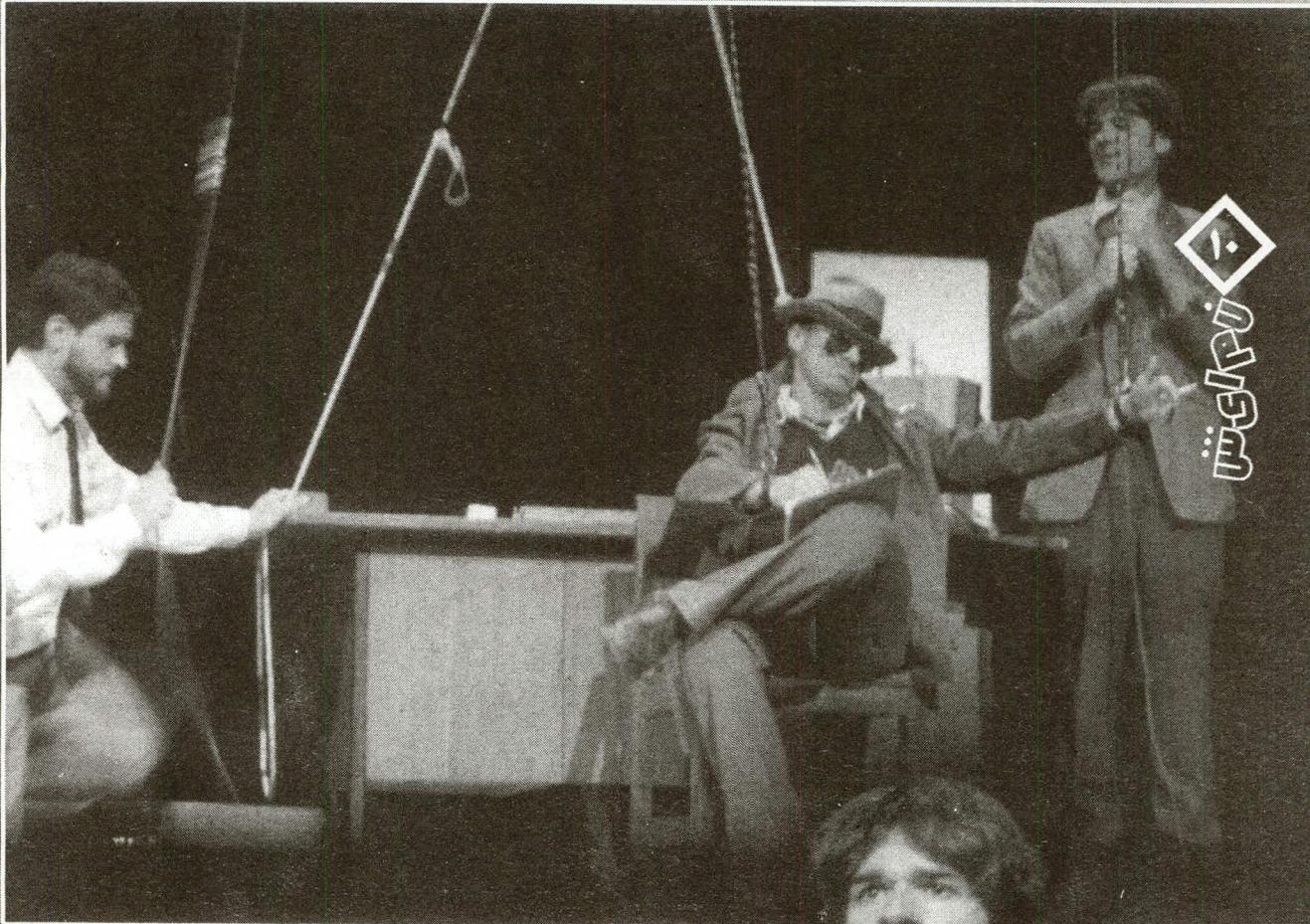
□ ما امسال در حال بوگزاری نیستیم دوره از جشنواره تئاتر فجر هستیم، این جشنواره به عنوان بزرگترین جشنواره تئاتری کشور چه تأثیری بر روند کلی تئاتر کشور داشته است؟

- جشنواره فقط فرصتی است که ما دور هم جمع شویم و در کنار هم کار کنیم. متأسفانه شکل جشنواره شکل درستی نیست. ما الان تطیع یک مرکز تئاتر به نام تئاتر شهر داریم و در سالنهای دیگر تماشاگر ارتباط کمتری برقرار می‌کند. شکل جشنواره در جهان اینطور نیست، آنها می‌آیند و از کارهای پرگزیده و اجرا شده انتخاب می‌کنند و آن کار را نمایش می‌دهند. اما متأسفانه در ایران به دلیل تعدد نمایشها مجبوریم بیانیم انتخاب شویم، تا پس از آن انتخاب بودجه‌ای داشته باشیم. هرچند در هر شرایط سختی آدم خودش را تطبیق می‌دهد، اما یک خطر هم وجود دارد و آن این است که کارها شتابزده می‌شود. کما اینکه الان هم اجرای عمومی نمایشها تفاوت زیادی با اجرای جشنواره همان نمایش‌ها دارد. اینقدر در جشنواره ما اضطراب و نگرانی داریم که نمی‌دانیم در شب اجرای جشنواره چه اتفاقی قرار است یافتد.



ابراز نظر درباره اجرا پرداختند. که از جمله آنها وجود تشابه بین شخصیت‌های نمایش (نوید) و یکی از شخصیت‌های نمایش یک دقیقه سکوت بود که کارگردان آن را طبیعی و تئاتر از کار کارگاهی و تداوم فعالیت‌ها در گروه تئاتر امروز دانست. همچنین ملموس بودن شخصیت و مشکلات شخصیت نمایش پرای خانم‌ها و پایان مناسب نمایش از دیگر نظراتی بود که در این جلسه مطرح شد و با پائین افتادن لته‌های دکور و آشکار شدن

نهایی‌ها، عدم تعادل، بحران ارتباط و... پرداخت و این نکته مطرح شد که روند حرکت به گونه‌ای است که بله بله ما را و جریان نمایش را به جلو می‌برد اما در نهایت این انتظار و توقع نمودی عینی ندارد، که در پاسخ کارگردان نمایش این پایان را منطبق با آنچه از نمایش در نظر داشته دانست. در ادامه به طرح ویژگی‌های اجرای کار پرداخته شد و آقای حسین مهکام به تمهد فروریختن و پاسخگویی کارگردان جلسه پایان یافت.



ستين
FESTIVAL

آناتول فلاد

کانادا

Anatole Felde et
Canard Bleu

CANADA





آشنایی با داوران جشنواره بیستم



۱۲
دستگاه

صحنه‌ای کارگردانی داشته که از آن میان "درانتظار گودو" (ساموئل بکت) و پیروزی در شیکاگو با استقبال فراوانی روپرتو گردید. از جمله آخرین نمایش‌هایی که وی کارگردانی کرده است عبارتند از ریچارد سوم اثر ویلیام شکسپیر (۱۳۷۸)، هنر اثر یاسمنینا رضا (۱۳۸۰).

محمد عزیزی

متولد ۱۳۲۳، تهران - دیپلم ریاضی فیزیک، دکترای تئاتر و کارشناس تکنیک و استاتیک تئاتر از مؤسسه‌های و عضو هیأت مدیره خانه تئاتر، استادیار دانشگاه تهران، عضو دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی. از جمله آثار ایشان می‌توان به ترجمه نمایش‌های "شکوه مرگ ژواتین موریتا" (بابلو نلا)، "سوء‌تفاهم" (آلبر کامو)، "پرندۀ سبز" و "هفت درس لوثی ژووه" اشاره کرد. در زمینه کارهای

عالقه‌ای که به این کار داشت در سن سیزده سالگی به فرانسه رفت و در پاریس به تحصیل ادامه داد. زندگی در فرانسه و برخورد با فرهنگ آن کشور که تئاتر در آن جایگاهی ویژه دارد وی را در کار تئاتر جذی تر کرد. او سپس وارد آکادمی تئاتر ژنو شد و به تحصیل در رشته کارگردانی و هنرپیشگی پرداخت و در سال ۱۹۶۰ در سوئیس، به طور حرفه‌ای وارد کار تئاتر شد و در نمایشنامه‌هایی همچون مرید شیطان (جرج برناند شاو)، ریچارد سوم (ویلیام شکسپیر)، یک نوکر و دو ارباب (کارلو گلدونی)، ایوانف (چخوف) ... کار کرد. رشیدی سال ۱۳۴۲ به تهران بازگشت و همکاری خود را با اداره هنرهای دراماتیک وزارت فرهنگ و هنر و افرادی چون عزت‌الله انتظامی، جمشید مشایخی، علی نصیریان، حمید سمندریان، و مرحومه جمیله شیخی و ... آغاز کرد. وی حدود ۵۰ تله تئاتر تلویزیونی و

محمد (فرشید) ابراهیمیان

متولد تهران ۱۳۲۸ - فوق دکترای مدیریت فرهنگی. فعالیت در زمینه‌های بازیگری، کارگردانی، مدرس دانشگاه، عضو کانون ملی منتقادان تئاتر، بازی در نمایش‌های ادیپوس شهریار (به کارگردانی مهدی هاشمی)، در اعماق و سه خواهر (به کارگردانی مهین اسکویی)، دکتر فاستوس و دکتر کنک (به کارگردانی ایرج راد) ... در زمینه کارگردانی نیز: سرایدار (نوشته هارولد پینتر). از جمله آثار منتشر شده: هنر و ماوراء به اضافه مجموعه مقالات متعدد.

داد و رسیدی

متولد ۱۳۱۲ - وی برای اولین بار در پنجاه سال پیش، زمانی که هنوز بچه بود در نمایشی به کارگردانی مرحوم عبد‌الحسین نوشین به صحنه رفت. سپس علی‌رغم

کارگردانی نیز نمایش‌های: تعییدی، اقلیما،
یونس، پرنده سبز، مسلم بن عقیل، همسرایی
مختار، سرشت سوزناک زندگی نام برد.

پوئیمه‌های امروز

تالار مولوی

پنجمینه ۱۱ بهمن ۱۳۸۰: اکادمی خنده از کشور روسیه، نویسنده و کارگردان: لوتیس ریخیل‌گر، ساعت ۱۵ و ۱۷

حسینیه طرشت (تعزیه‌های علوی)

پنجمینه ۱۱ بهمن ۱۳۸۰: جوانمرد قصاب از اراک، معین الکاء: حسن مجلی نسب، سرپرست: قدرت‌الله فتحی، ساعت ۵

بعد از ظهر

فضای باز تئاتر شهر

پنجمینه ۱۱ بهمن ۱۳۸۰: عروس برون، نمایش آثینی موسیقایی استان همدان، همدان

بوفاهه کانون ملی منتقدین

پنجمینه ۱۱ بهمن ۱۳۸۰: نقد و بررسی نمایش شهادت خوانی قدماشاد مطری تهرانی، توسط: بهزاد صدیقی، صادق خاموشی، سعید تشکری نقد و بررسی نمایش نه فرتری تی، توسط: مسعود توکلی، مهرداد ابروان، بیتا ملکوتی همدان

○ عروس برون

همدان

عروسوی همواره تجلیگاه زایش و برکت و باروری و مظاهر شادی و شادکامی انسان در این عرصه هستی بوده است. "عروسو برون" مراسم آثینی خاص استان همدان است که در شهرهای ملایر، نهادن، تویسرکان و بروجرد و همچنان به اجرا در می‌آید و مراحل مختلف این آثین را به نمایش می‌گذارد. سرتا و دهل از همراهان اصلی این آثین به شمار می‌روند و همه چیز با رقص و حرکت تجلی نمایش به خود گرفته است.

تالار وحدت

پنجمینه ۱۱ بهمن ۱۳۸۰: کمپیرک جادو، نویسنده و کارگردان: تاج‌بخش فنایان، ساعت ۱۹

تئاتر شهر - سالن اصلی

پنجمینه ۱۱ بهمن ۱۳۸۰: آناطول فلد از کشور کانادا، نویسنده: هروبلوش، کارگردان: میشل ترامبله، ساعت ۱۷/۳۰ و ۲۰/۳۰

تئاتر شهر - سالن چهارسو

پنجمینه ۱۱ بهمن ۱۳۸۰: شهادت‌خوانی قدماشاد مطری در تهران، نویسنده و کارگردان: محمد رحمانیان، ساعت ۱۸ و ۲۰/۳۰

تئاتر شهر - سالن سایه

پنجمینه ۱۱ بهمن ۱۳۸۰: روز رستاخیز، نویسنده: چرمشیر و مهندس پور، کارگردان: فرهاد مهندس پور، ساعت ۱۷ و ۱۹/۳۰

تئاتر شهر - سالن قشائی

پنجمینه ۱۱ بهمن ۱۳۸۰: نه فرتری تی، نویسنده و کارگردان: جلال تهرانی، ساعت ۱۷ و ۱۹/۳۰

تئاتر شهر - سالن گوچ

پنجمینه ۱۱ بهمن ۱۳۸۰: کسی به سرهنگ نامه نمی‌نویسد، نویسنده: والتر اکوستا، کارگردان: داود دانشور، ساعت ۱۶/۳۰ و ۱۸/۳۰

تالار هنر

پنجمینه ۱۱ بهمن ۱۳۸۰: سریاز (بیوشهر)، نویسنده و کارگردان: ایرج صغیری، ساعت ۱۶ و ۱۸

تالار سنتگل

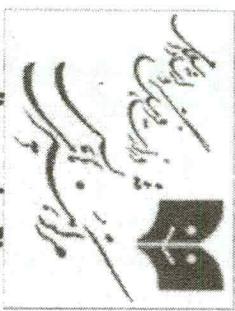
پنجمینه ۱۱ بهمن ۱۳۸۰: شام شب طولانی از کشور سوریه، نویسنده: تورنت وايلدر، کارگردان: سامر عمران، ساعت ۱۸

ایرج راد:

متولد ۱۳۲۴، تهران، تحصیلات: فارغ‌التحصیلی رشته تئاتر از دانشکده‌های هنرهای زیبای دانشگاه تهران و دانشگاه کاردیف انگلستان، فعالیت در تئاتر از ۱۳۳۱ با نمایش "قرعه برای مرگ" نوشته واهه کاچا. عده نمایش‌های اجرایی: آی با کلاه‌ای بی‌کلاه، ابراهیم توپیچی و آقاییگ، افول، ازرس، بنگاه تئاترال، جادوگران، حادثه در بیشه، در شاهراه...، زاندارک، دکتر فاستوس، سربازها، سیاوش بر باد، سیاه زنگی، مجموعه پاتومیم، مرده‌های بی‌کفن و دفن، مردی که مرده بود و خود نمی‌خواست، امیز قلمدون، شب روی سنگفرش خیس، باع شب نمای ما.

پری صابری

متولد تهران سال ۱۳۱۱ - وی نیمی از تحصیلات خود را در تهران و نیمی را در فرانسه گذراند. دارای مدرک لیسانس سینما و تئاتر از فرانسه است. فعالیت‌های وی در زمینه نویسنده‌گری، کارگردانی، طراحی صحنه و لباس و همچنین فعالیت در زمینه هنرهای دیگر چون موسیقی و نقاشی است. کارگردانی مایش‌های مختلف بر اساس متون کهن پارسی همچون هفت شهر عشق (۱۳۷۰)، بن و منیزه (۱۳۷۵)، رستم و سهراب (۱۳۷۷)، شمس پرند (۱۳۷۸) و رند خلوت نشین (۱۳۸۰) را در تالار وحدت به روی صحنه برده است. از جمله متون خارجی نیز می‌توان به آنتیگون (سوفکل) شش شخصیت در جستجوی نویسنده (لوئیجی پیراندللو)... نام برد. وی در سال ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۷ به عنوان مدیریت فرهنگی دانشگاه تهران فعالیت داشته است. همچنین در بسیاری از مدارس آزاد بازیگری نیز به تدریس اشتغال داشته‌اند. در سال ۱۹۸۳ در شهر لوس آنجلس امریکا موفق به دریافت لوح تقدیر شد و تا کنون در جشنواره‌های هفدهم و هجدهم فجر به دریافت لوح تقدیر نائل گشته‌اند.



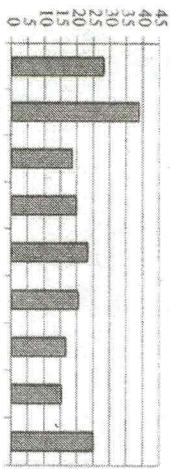
دفتر مطبوعات

نتاچه‌ای کماسه‌دران بازیگران ملی در بین المللی فجر

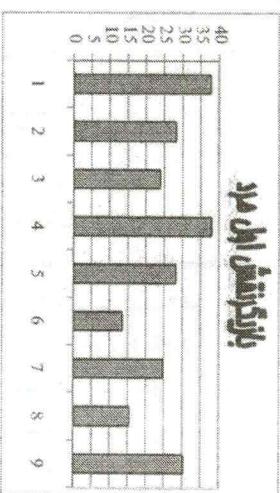
۸۰/۱۱/۹ نسخه اول

۱ - مدها ۷ - ل - مددای امراء ۸ - هریز ایاز عیار ۹ - مملأب ایاز عیار ۱۰ - کردان روزی ایام ۱۱ - مکالمه های شاهزاده های ایران ۱۲ - مکالمه های شاهزاده های ایران ۱۳ - مکالمه های شاهزاده های ایران ۱۴ - مکالمه های شاهزاده های ایران ۱۵ - مکالمه های شاهزاده های ایران

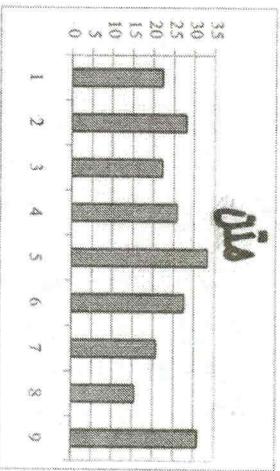
ظاهر مدنی ایلان



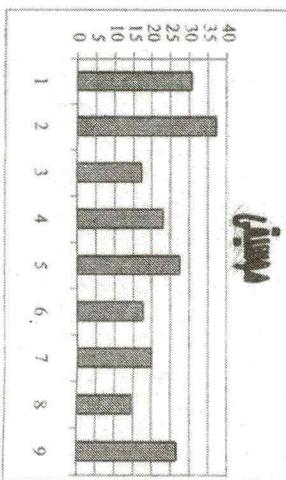
پلریستون اهل میر



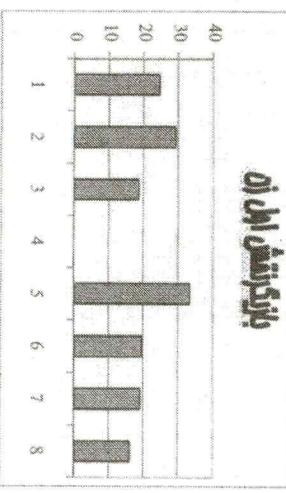
من



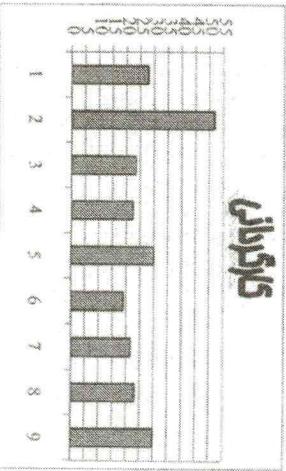
میم



باندراش اهل آن

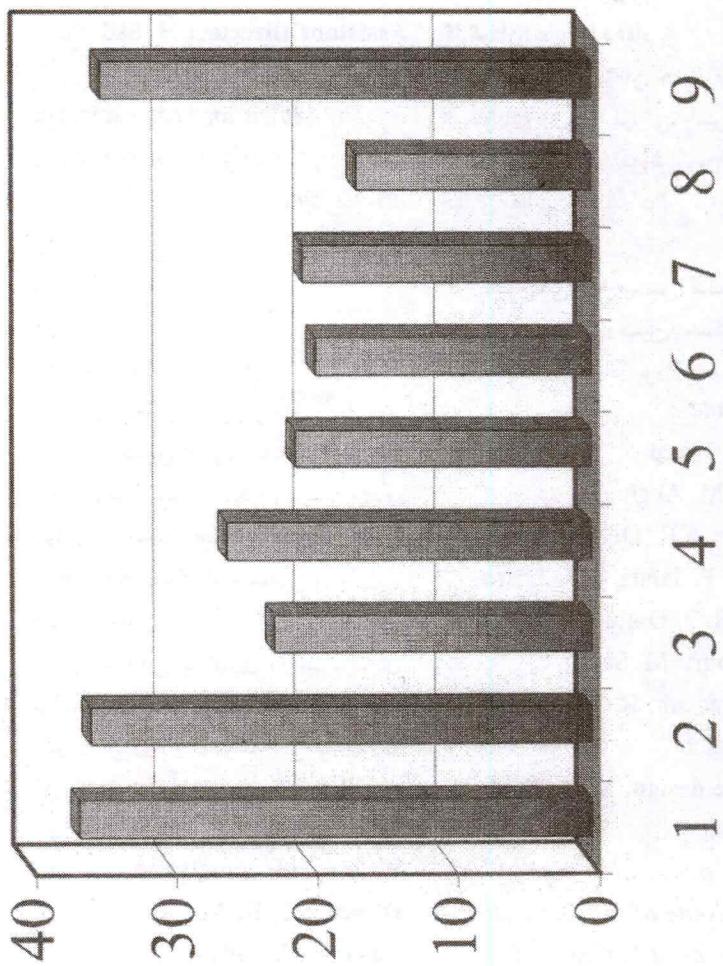


کاروان



تایم آرای نهاده شکران دو باهی نهایش های سه شنبه ۱۱/۹/۰۸ با مناسب میانگین امتیاز متن-کارکردانی-بازیگری-طراحی سهند و لباس

- ۱-لهسته‌های (نیمه اول)
- ۲-وابت کابیت (نیمه دوم)
- ۳-والس مرده شبوران (نیمه پنجم)
- ۴-سدهوری (نیمه چهارم)
- ۵-راه کردن (نیمه سوم)
- ۶-مدده آ (نیمه ششم)
- ۷-لاس و خزال (نیمه هفتم)
- ۸-دیگر امداد (نیمه هشتم)
- ۹-مصادیب ایاز عبار (نیمه سوم)



معرفی کروههای خیابانی

M. Mirzaie, I. Atalou.

Set Design: S.K. Husseini

Synopsis:

The Morshed Neishabouri lived alone in a cellar, when Rostam the hero of Shahnameh goes to him and asks him to recount him his story.

حضور

گروه خنیا

نویسنده: ماندانا عبرقی

کارگردان: علیرضا دهقانی

بازیگران: پژمان جعفری، مهدی

خسروآبادی، روح الله درایینی، رامین ظهوری،

محمد ساسان، وحید قموش، روح الله زنگویی،

مهرداد مطلبی

خلاصه نمایش:

کبوترانی که سمبول انسانهای این

سرزمین (ایران زمین) هستند، مانند

کبوترانی فان غ بالا در پروازند و...

Presence

Khonia Group

Writer: M. Abghari

Director: A.R. Dehghani

Players: P. Jafari, M. Khosro

Abadi, R.O. Daraieni,

R. Zohouri, M. Sasan,

V. Ghamoush, R.O. Zangouei,

M. Motalebi

Costume design: M. Anbari

Synopsis:

The doves which are symbols of the people of this land (Iran) fly like birds at leisure

دستیار کارگردان: حسن صدیقی

بازیگران: روح الله صدیقی، ناصر محمودی

خلاصه نمایش:

سیاه و ارباب مشغول اجرای مجلس

شادی هستند که شخصی از راه می‌رسد

...

The Happy Gathering

Tolou Group

Writer and Director:

R.A. Sadighi

Players: R.A. Sadighi,

N. Mahmoudi

Assistant Director: H. Sadighi

Synopsis:

The clown and his assistant are performing when someone arrives and ...

آخرین تیر

گنبد

نویسنده: حمیدرضا قلمه‌ای

کارگردان: حمیدرضا میرزا

بازیگران: حسین فدایی، اسفندیار قرنجیک،

سیدعلی فخرحسینی، شهره رعایتی، مهدی

میرزا

طراح صحنه: سید کاظم حسینی

خلاصه نمایش:

مرشد عباس نیشابوری در سرداریهای

تها بسر می‌برد و رستم قهرمان شاهنامه

فردوسی می‌رود و از مرشد می‌خواهد تا

نقل خویش را بگوید.

The Last Arrow

Writer: H.R. Ghalamei

Director: H.R. Mirzaie

Players: H. Fadaie,

E. Gharanjic, S.A. Fakhr

Husseini, Sh. Reaiati,

زیاله‌ها

گروه انجمن نمایشن لاهیجان از شهرستان

lahijan

نویسنده: ضیاء صنعتی

کارگردان: محمد علی صادق حسنی

بازیگران: علی بیداوی، مهدی دانش رفتار،

علیرضا هادی پور

خلاصه نمایش:

رفتگر شهرداری پس از جمع کردن

زیاله‌ها آن‌ها را در گوشاه می‌گذارد تا

توسط مأمورین جمع آوری شود بر اثر

بی‌توجهی عابر پیاده کیسه‌های زیاله پاره و

زیاله‌ها شروع به کیف کردن شهر

می‌نمایند. رفتگر پس از برگشت با زیاله‌ها

در گیر و آنوقت توسط مردم در مسابقه‌ای

زیاله‌ها را شکست داده و با یاری مردم

شهر را تمیز می‌نمایند.

The Rubbish

The Lahijan Theatre Society

Group

Writer: Z. Sanati

Director: M.A. Sadegh Hassani

Players: A. Bidavosi, M. Danesh

Raftar, A.R. Hadipour

Synopsis:

The street sweeper after cleaning the street comes back to see that because of the carelessness of a passerby, the rubbish are all over the places. With the help of the people the city will be clean again.

مجلس شادی

گروه طلوع - شهرکرد

نویسنده: روح الله صدیقی

کارگردان: روح الله صدیقی

۱۶

زنگنه

jouer (Louis Jou)

Directing: The Exiled, Eghlima, Jonaj, The green bird, Maslem-ibn-Aqil, Mokhtar's chorus, The touching nature of life.

Muhammad Ebrahimian

Born in 1949 - Tehran.

Graduated in Culture management (P.H.D) Experience in Acting and Directing.

Member of National Association of Theatre Critics Playing in Odipus Rex (Directed by Mehdi Hashemi).

Three Sisters (Directed by Mahin Oskoi')

Dr. Faustus and Dr. Knok (Directed by Iraj Rad)

Iraj Rad

Actor

Born: 1945 - Tehran and Cardiff University in England Education: B.A in Theatre from Fine arts Faculty in Tehran University.

An interview with S. Tirandaz the Director of "You'd never believe it could be like this."

In my play I inspect a relation between a couple. The reason why I choose this play is because during these years that I have worked with Ms. Yusrebi, a deep understanding has grown between us. I am very hopefull about the happenings in theatre among the young generation and I am very happy to be living with this generation.

Fortunately these days many plays which do not have any humour are performed and accepted by the audience. Its been proved that the audience always make contact with new and fresh ideas. International relations made in our theatre are very good and our theatre needs to even expand this relation more to Vaster degrees.

Anatole Felde et Le Canard Bleu

Writer: Hervé Blutsch

Director: Michel Tremblay

Synopsis:

These two joyfully absurd short plays were written by a playwright who prefers to remain anonymous, hiding under the pseudonym Hervé Blutsch, in sympathy no doubt for the characters that he transforms with impunity into the butts of his jokes in this burlesque piece. He takes them out of their boring, absurd lives-the life of the office, of the office clerk working five days a week for a lifetime. The action takes place in an office, in three offices in fact, with piles of documents and three clerks, one of whom breaks the rules by jumping into the void and also by simply wanting to change the numbing routine. Many dream of making an overly official government offical dance at the end of a rope, including the official himself.

The Resurrection

Aftab group

Wrtier: T.Kuzinitzki

Translated: M. Charmshir, F. Mohandespour.

Director: F. Mohandespour.

Players: H. Ebrahimi, N. Adabi, A. Eghbalnejad, B. Jafari, S. Safari, S.M. Ziaie, H. Majouni, D. Moafagh, H. Hihavand.

Assistant Director:

F. Ghaemimahdavi, A. Dadgar.

Set Manager: S. Rafi'iepour

Set Design: A. Sheikhoghli.

Synopsis:

Todos is chosen by his colleagues to set fire on himself in front of the communist party office at eight o'clock. Different people come to his place to persuade him to do this.

The Waltz of the Washer of the Dead

Moaser Group

Writer and Director:

K. Narimani.

Players: R. Teimourian, S. Safari, M. Soltani, M. Ziaie, S. Farshadjou, H. Hashemi.

Assistant Director:

H. Pourazari.

Set Manager: R. Sajadihosseini.

Set Design: P. Hamidkhani.

Synopsis:

In a far old place where they wash the dead, an old man and woman work. A young man, who by chance is working with them, has invented a machine that can automatically wash and bury the dead. One day there is a strange dead person, the water is cut off and the body gets warm and becomes alive and...



What is Globolization?

Two years ago on the World Theatre Day, Michel Tremblay the great Canadian writer for all the theatre artists sent a message titled; "What is Globolization?". In part of his message come: "For the universality of a dramatic text is not to be found in the place in which it was written but in its humanity, in the revelance of its statements and in the beauty of its structure." And now that we are trying to promote our theatre to international stages and to test our abilities against other theatre artists in the world, Michel Tremblay's message shows it's deeper, inner values and Iranian artists should think more about the meaning of the speech of this great man.

Michel Tremblay the internationaly distinguished theatre artist is the absent guest

NAMAYESH

The 20th International Fajr Theatre Festival

No. 11

Editor-in-chief

Laleh Taghian

Technical Manager

Anoushiravan Mirzaei

Computer Manager

Parviz Mirzahosseini

Computer Graphic

M. Ali Mirzaei

Translators

Akhtar Etemadi

Ava Serjoei

Typesetting

Farzane Sarmadi

Mehri Gholami

Panteh-A Mirzahosseini

of the Twentieth International Fajr Theatre Festival. Seeing his work as the director of the play, "Anatole Felde" gives us the chance to get acquainted with his directing and his absence is a loss for us not to get acquainted with him personally.

Michel Tremblay who's got four honored PHDs and sofar received six international prizes no doubt is one of the greatest literaries, for who an encyclopedia of his works was published in 1993. Presentation of the work of this great artist is a great success for the Twentieth International Fajr Theatre Festival with hope that this festival and our country will always be a place for the exchange of culture and dialogue between the great theatre artists.

Editor in Chief

Laleh Taghian

The Juries of the Competition Section

Davaud Rashidi

Born: 1933

Education: B.A in Political Science

Acting: The Devil's Disciple (in Switzerland)

Richard III (in Switzerland)

One Domestic and Two Masters (in Switzerland) Iran of (in Switzerland) Running from the Trap, The Hive Kamalol Molk, The Fisheries, Bibi Chelcheleh.

The Spider's House.

The main directed play: Waiting

for Godot, Victory in Chicago, Richard III and Art.

Pari Saberi

Born: 1932 - Tehran

Half of her education has been in Tehran and half in Paris (France) Ms. Saberi has a B.A. in Cinema and theatre from France. She has been an active playwright, director and stage and custom designer. She has directed a variety of plays based on old persian texts like "Seven Cities of Love" (1992). Bijan and Manijehe (1997), Rostam and Sohrab (1999) and M. Saberi has also directed popular foreign works like Antigone (Sofokl-2001) Six charactors Looking for a playwright (Louigi Pirandlo).

From 1968 to 1978 Ms. Saberi was active as the cultural manager of Tehran university and she has taught in acting workshops in theatre office, Vahdat hall and... In 1983 Ms. Saberi was awarded a plate Appreciation in Los Angeles U.S.A. In addition she has received plates of appreciation in the 17th and 18th festivals and another one in 1974 from Tehran University.

Mahmoud Azizi

Born in 1944 - Tehran, PH.D in Theatre from Sorbon University Theatre technique and statics expert.

Translations: Le glorie de la morte de Juatine Mooritae (Pablo Nela), Malentendu (Camus), Des sept leons de





جشنواره بین‌المللی
نمایش فجر

INTERNATIONAL FADJR THEATRE FESTIVAL

جشنواره بین المللی
تئاتر فجر

۱۳۸۰ - ۱۴۰۱ بهمن

THE
20th
INTERNATIONAL FADJR THEATRE FESTIVAL

TEHRAN - 21 JAN - 1 FEB 2002

Dramatic Arts Center

